

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره اول - فروردین ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۷

سبک‌شناسی آثار محمود دولت‌آبادی بر مبنای مقالات دانشگاهی

(صفحه ۱۰۹-۱۲۶)

کارمین صراف^۲، سید جمال الدین مرتضوی (نویسنده مسئول)^۳، جهانگیر صفری^۴

سید کاظم موسوی^۵

تاریخ دریافت و پذیرش: بهار ۱۳۹۷

چکیده

یکی از مهمترین موضوعات مورد توجه پژوهشگران در رشته زبان و ادبیات فارسی، بررسی سبک‌شناسانه آثار نویسندگان و شعرا است. در سالهای اخیر و با توجه به گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی، روند نگارش مقالات دانشگاهی افزایش پیدا کرده و پژوهشگران دانشگاهی ببررسی آثار نویسندگان و شعرای گذشته و معاصر بر اساس معیارهای علمی پرداخته‌اند. از جمله نویسنده‌گان معاصر که پژوهش‌های زیادی درباره آثار وی در زمینه‌های گوناگون از جمله سبک‌شناسی صورت گرفته محمود دولت‌آبادی است. در مجموع بیش از شصت مقاله دانشگاهی درباره آثار دولت‌آبادی به رشته تحریر در آمده که هدف نویسندگان این مقاله این است که ویژگیهای سبکی وی را از این مقالات استخراج و دسته‌بندی نمایند و در قالب یک مقاله در اختیار پژوهشگران قرار دهند. در این مقاله از چهل و نه مقاله دانشگاهی که ببررسی آثار دولت‌آبادی پرداخته‌اند استفاده شده است. مطالب این مقاله در هفت بخش ارائه گردیده است که عبارتند از: ۱- نثر، ۲- مضامین، ۳- عناصر داستان، ۴- مکتبهای ادبی، ۵- بازتاب مسائل سیاسی و اجتماعی، ۶- ادبیات اقلیمی و روستایی، و ۷- سایر موارد.

کلمات کلیدی: سبک‌شناسی، محمود دولت‌آبادی، مقالات دانشگاهی، ادبیات

داستانی.

۱- از ابتدا سال ۹۸ به دستور وزارت علوم، تمام مجلات علمی پژوهشی کشور به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲ دانشجوی دکتری ادبیات معاصر دانشگاه شهرکرد K.Sarraf@Ymail.com

۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد baharahang@yahoo.com

۴ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد safari_706@yahoo.com

۵ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد mousavikazem@yahoo.com

The Stylistics of Mahmud Dowlatbadi's Works according to Academic Articles

Karmin Sarraf¹, Seyyed Jamaledin Mortazavi² (Author in Charge),
Jahangir Safari³, Seyyed Kazem Mousavi⁴

Abstract

One of the most important subjects for scholars in Persian literature is studying the stylistics of the works of the writers and poets. In recent years according to expansion of post graduation, the number of academic articles is increasing and academic scholars are studying the works of the writers and poets of the past and present with scientific criteria. One of the contemporary writers that many researches have been done on his works is Mahmud Dowlatbadi. Over sixty academic articles have been written about his works and the purpose of the writers of this article is to extract the elements of his style from these articles and classify them for scholars. In this article we have used forty nine academic articles that are written about Dowlatbadi's works. This article consist of seven parts that are: 1- prose, 2- themes, 3- story elements, 4- literary schools, 5- reflecting political and social issues, 6- local and rural literature, and 7- other issues.

Key words: stylistics, Mahmud Dowlatbadi, academic articles, fiction.

¹ - PhD student of contemporary literature at Shahrekord University.
(K.Sarraf@Ymail.com)

² - Assistant Professor of Persian Language and Literature, Shahrekord University. (baharahang@yahoo.com)

³ - Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahrekord University. (safari_706@yahoo.com)

⁴ - Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahrekord University. (mousavikazem@yahoo.com)

مقدمه

یکی از مهمترین موضوعات پژوهشی در رشته زبان و ادبیات فارسی بررسی سبک فردی نویسندگان و شعرای گذشته و معاصر است بگونه‌ای که جدا از سبک دوره‌ای که مربوط به زمان زندگی نویسندگان و شعراست و از آن تأثیر میگیرند، هر شاعر یا نویسنده مشخصه‌های سبکی منحصر به خود نیز دارد که باعث تشخیص آثار وی از آثار دیگر معاصران وی میشود. هرچند هر پژوهشی درباره آثار ادبی نمایانگر جزئی از سبک صاحب اثر است ولی با توجه به اهمیت سبک‌شناسی برخی پژوهشگران موضوع اصلی تحقیق خود را بررسی سبک‌شناسی آثار ادبی انتخاب میکنند و برخی مجلات علمی به صورت ویژه به موضوع سبک‌شناسی میپردازند.

در سالهای اخیر و با گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی روند نگارش مقالات دانشگاهی سیر صعودی پیدا کرده است و پژوهشگران دانشگاهی با استفاده از معیارهای علمی به بررسی جنبه‌های گوناگون آثار نویسندگان و شعرا میپردازند. مطالعه، دسته‌بندی و ارائه یافته‌های این مقالات در قالبی جدید و به صورت منسجم میتواند اطلاعات مورد نیاز پژوهشگران در حوزه‌ای خاص را در یک مقاله در اختیارشان قرار دهد و آنها را از مطالعه مقالات متعدد بی‌نیاز گرداند.

یکی از نویسندگان مهم معاصر که نقدها و مقالات زیادی درباره آثارش نوشته شده و منتقدان و پژوهشگران از جنبه‌های مختلف به ارزشیابی آثارش پرداخته‌اند محمود دولت‌آبادی است. دولت‌آبادی با نوشتن رمانهای متعددی از جمله کلیدر که طولانیترین رمان به زبان فارسی بحساب میآید به جایگاه ویژه‌ای در ادبیات داستانی دست یافته است. در طی سالیان گذشته در مجموع بیش از شصت مقاله دانشگاهی در مورد داستانهای محمود دولت‌آبادی نوشته شده که موضوعات مختلفی در داستانهای وی بطور مفصل و همراه با مثالهای متعدد مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هدف نویسندگان این مقاله این است که ویژگیهای سبکی دولت‌آبادی را که هر یک در مقاله‌ای مجزا مورد اشاره قرار گرفته گردآوری نمایند و پس از دسته‌بندی، همه آنها را در یک مقاله در اختیار پژوهشگران قرار دهند. در این مقاله از چهل و نه مقاله دانشگاهی که بررسی آثار دولت‌آبادی پرداخته‌اند استفاده شده است. لازم بتوضیح است تا کنون در هیچ مقاله‌ای دسته‌بندی ویژگیهای سبکی دولت‌آبادی که در مقالات دانشگاهی مورد اشاره قرار گرفته انجام نشده است.

بحث

در این بخش مطالبی که در مقالات دانشگاهی درباره سبک محمود دولت‌آبادی نوشته شده در هفت بخش ارائه میگردد که عبارتند از: ۱- نثر، ۲- مضامین، ۳- عناصر داستان، ۴- مکتبهای ادبی، ۵- بازتاب مسائل سیاسی و اجتماعی، ۶- ادبیات اقلیمی و روستایی، و

۷- سایر موارد. لازم بتوضیح است در برخی از مقالات بمرور متعدهی اشاره شده است.

۱- نثر

مقالات دانشگاهی متعددی به بررسی سبک نثر دولت‌آبادی از جنبه‌های گوناگون پرداخته‌اند. در ابتدا به هفت مقاله که به بررسی نثر رمان کلیدر پرداخته‌اند اشاره میشود. در اولین مقاله که «نثر محمود دولت‌آبادی» (شیری، ۱۳۸۲) نام دارد بتعدادی از مشخصات نثر رمان کلیدر همراه با مثال اشاره شده است. در ادامه فهرستی از برخی از این مشخصات که در مقاله مذکور آورده شده ارائه میگردد: «همصدایی و همناوایی کلام با حالات و روحيات و وضعيتها، تند شدن طنین عبارتها در هنگام شتاب و اضطراب، و کند و کشیده شدن آنها در زمان آرامش» (همان: ۸۴)، «کاربرد ساخت مفعولی افعال به طور متوالی در چند جمله همجوار و معطوف به یکدیگر»، (همان: ۸۶)، «متعدهی کردن افعال به شیوه فردوسی با افزودن الف بر فعل لازم» (همان: ۸۷)، «رعایت مصطلحات و مقتضیات اقلیمی و معیشتی در گزینش واژگان و تعبیرات محلی برای توضیح، تشبیه، توصیف یا تکمیل کلام» (همان: ۸۸)، «وفور افعال و عبارتهای بازمانده از سبک ترکستانی و خراسانی» (همان)، «مؤخر قرار گرفتن نهاد بر مفعول و متمم، به تأثیر از نحو گفتاری» (همان: ۸۹)، «واژه سازی با «ش» مصدری، بر خلاف روال مرسوم» (همان: ۹۰).

در مقاله بعدی که «کلیدر دولت‌آبادی و فلسفه مداخله‌گری در روایت» (شیری، ۱۳۸۸) نام دارد به «اصرار دولت‌آبادی به استفاده از صورت کتابی و غیر شکسته زبان در صحبتها» (همان: ۲۳۴) اشاره شده است. در مقاله سوم هم که «موسیقایی بودن ساختار کلیدر» (شیری، ۱۳۹۰) نام دارد مطالبی درباره شیوه گزینش و چینش واژه‌ها و ساخت جملات و زبان روایت ذکر شده است. در مقاله چهارم که «بررسی و تحلیل موضوعات وصفی کلیدر» (کریمی‌پناه و رادفر، ۱۳۹۱) نام دارد بتناسب توصیفات با فضای داستان اشاره شده و گفته شده که این توصیفات مخصوص دولت‌آبادی است. مقاله پنجم «بررسی جنبه‌های موسیقایی رمان کلیدر (محمود دولت‌آبادی)» (کاردگر و بابا شاهی، ۱۳۹۱) است که در آن به استفاده از جملات آهنگین و ایجاد سبکی جدید از نثر شاعرانه اشاره شده است.

ششمین مقاله این بخش «تأثیر متون کهن بر نثر داستانی دولت‌آبادی در رمان کلیدر» (آرتا و همکاران، ۱۳۹۱) نام دارد که درباره مهمترین جنبه‌های تأثیر متون کلاسیک بر نثر این رمان آمده: «گزینش واژگانی (کاربرد واژه‌ها یا ترکیبات کهن)، تقلید از ویژگیهای دستوری کهن مانند: کاربرد حروف اضافه بجای یکدیگر، آوردن با تأکید بر سر فعل ماضی، کاربرد فعل پیدشوندی، تکرار «را» بعد از چند مفعول پی در پی، مقدم کردن فعل و موقوف کردن قید به آخر جمله، کاربرد تعبیرات معروفی که به عینه از متون کهن انتخاب شده‌اند،

استفاده از سجع و کاربرد مضمونهای آشنای نثر گذشته.» (همان: ۳۲) آخرین مقاله دربارهٔ کلیدر «نمودها و کاربرد متفاوت «آرکائیسیم» و «گویش سبزواری» در رمان کلیدر» محمود دولت‌آبادی (اله‌دادی دستجردی و همکاران، ۱۳۹۴) است که در آن تقسیم‌بندی واژه‌ها و ساختارهای صرفی و نحوی کهن گرایانه در این رمان صورت گرفته است.

در ادامه به دو مقاله که ببرر سی رمان *جای خالی سلوچ* پرداخته‌اند اشاره می‌شود. در مقاله «سبک‌شناسی رمان «جای خالی سلوچ» اثر محمود دولت‌آبادی» (نصر اصفهانی و شمع‌الف)، (۱۳۸۸) از لحاظ سبک‌شناسی فردی داستان از سه منظر ویژگیهای مربوط به ساخت زبانی، ویژگیهای ادبی و ویژگیهای فکری بخوبی مورد برر سی قرار گرفته است. در قسمت ویژگیهای مربوط به ساخت زبانی، به پانزده نمونه از ویژگیهای ساختاری زبانی دولت‌آبادی با ذکر مثال اشاره گردیده که برخی از آنها عبارتند از: کاربرد لغات کهن، استفاده از ترکیبات مقلوب، جابجایی ضمائر، متعددی کردن افعال با افزودن «ان» بر فعل لازم، جابجایی ارکان جمله، کاربرد فعلهای کهن سبک خراسانی، حذف «را» مفعولی از جمله و کاربرد حرف «هم» بمنظور تأکید و بمعنی «حتی». در بخش ویژگیهای ادبی، به سبزه مورد همراه با مثال اشاره گردیده که برخی از آنها عبارتند از: استفاده از زبان شعرگونه و آهنگین، جملات برش خورده و موجز، تکرار عبارات و کلمات، کثرت توصیف و تصویر، سجع سازی و قرینه‌پردازی، ترکیب سازی و واژه‌گزینی، عقاید عامیانه، صلابت، فخامت و جزالت کلام. لازم بتوضیح است مطالب ارائه شده دربارهٔ ویژگیهای فکری این رمان در بخش مضامین مقاله حاضر ذکر گردیده است.

دومین مقاله دربارهٔ این رمان مقاله «فعل در رمان *جای خالی سلوچ* و منشأ آن» (مستعلی پارسا و همکاران، ۱۳۹۰) است. نویسندگان مقاله دربارهٔ افعال این رمان چنین نوشته‌اند: «بعد از تجزیه و تحلیل فعلهای فیش برداری شدهٔ رمان نامبرده، انواع چهارگانه زیر بدست آمد: ۱: افعال فارسی (معیار، ادبی و کهن، محاوره و گرته برداری شده)؛ ۲: افعال گویش سبزواری؛ ۳: افعال مشترک میان فارسی (معیار و ...) و گویش سبزواری؛ ۴: افعال برساختهٔ نویسنده.» (همان: ۱۶۰-۱۵۹) و در انتها به این نتیجه رسیده‌اند که افعال فارسی بیشترین بخش را بخود اختصاص داده‌اند و افعال برساختهٔ نویسنده شمار اندکی دارند.

در یک مقاله به رمان *آن مادیان سرخ یال* پرداخته شده که «سبک‌شناسی زبانی رمان *آن مادیان سرخ یال* نوشتهٔ محمود دولت‌آبادی» (همتی و همکاران، ۱۳۹۴) نام دارد. در این مقاله بخشهای مختلفی دربارهٔ سبک دولت‌آبادی همراه با مثالهای متعدد آورده شده که برخی از آنها عبارتند از: «باستان‌گرایی (آرکائیسیم)»، «واژگان سره»، «جابجایی ارکان جمله»، «کاربرد دو حرف اضافهٔ مضاعف برای متمم در جمله»، «کاربرد «را» به جای حرف

اضافه «به»، «با»، «از» و «برای»، «مصدرم مرخم»، «فعل» «داشتن» به معنای نگاه داشتن، متوقف کردن و ایستادن»، «فعل» «شدن» در معنای رفتن، گذشتن، سپری شدن، دور شدن»، «ترکیبهای مقلوب»، «تکرار «را»ی مفعولی»، «حذف «می» از ابتدای فعل مضارع»، «متعدي کردن افعال با افزودن «ان» بر فعل لازم»، «صامت «م» نشانه نهي»، «آوردن «ب» بر سر فعل ماضی مطلق»، «آمدن «همی» بر سر فعل»، «آوردن جمع واژه‌های عربی به صیغه فارسی»، «تتابع اضافات»، «استفاده از آهنگ و وزن شعری»، «کلمات محاوره».

یک مقاله هم درباره نثر رمان روزگار سپری شده مردم سالخورده نوشته شده که «تشبیه اندیشی در رمان «روزگار سپری شده مردم سالخورده»» (کاردرگر و قدمنان، ۱۳۸۷) نام دارد و در آن نویسنده‌گان ببررسی تشبیهات در رمان پرداخته‌اند. در بخش «ویژگیهای برجسته تشبیهات رمان» به ۹ مورد اشاره شده است که عبارتند از: «ریشه‌های سنتی تشبیهات»، «رنگ اقلیمی و امروزی»، «پشتوانه تجربی»، «تنوع در طرفین تشبیه»، «تأمل برانگیزی تشبیهات»، «رسانگی در انتقال معانی و القای حالات روحی»، «یگانگی تشبیه و استعاره»، «نقش مؤثر قید در ساختار تشبیه» و «تنوع در ادات تشبیه».

در چهارم مقاله نیز پژوهشگران دانشگاهی ببررسی نثر دولت‌آبادی در چندین اثر وی پرداخته‌اند که دو مقاله تکراری هستند و در نتیجه میتوان گفت سه مقاله مستقل در این بخش وجود دارد که اولین آنها «ممیتهای ویژه در آثار محمود دولت‌آبادی» (نسقی، ۱۳۸۵) نام دارد. در این مقاله به ۱۳ مورد از ویژگیهای سبکی دولت‌آبادی همراه با مثالهای متعدد از آثار مختلف وی اشاره شده است که برخی از آنها عبارتند از: «کاربرد صفات با موصوفهای غیر متعارف»، «کاربرد مصادر جعلی»، «کاربرد مصادر مرخم»، «کاربرد صفت و قید با علامت «انه»»، «هنجارشکنی در جمع بستن اسم و ضمیر با «ان»»، «ساخت صفت از اسم با «بر» و «با»ی صفت‌ساز»، و «پارادکس». در ادامه هم مطالبی درباره توصیف و تشبیه در آثار دولت‌آبادی آورده شده است.

در ادامه به دو مقاله «تحلیل سبک شناختی آثار داستانی محمود دولت‌آبادی» (حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۸۵) و «ویژگیهای زبان روایت در سه اثر از محمود دولت‌آبادی» (حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۸۶) اشاره میشود که هر دو یک مقاله و از یک نویسنده هستند و اولی در یکی از مجلات دانشگاه آزاد اسلامی منتشر شده و دومی که کمی کاملتر است در مجله‌ای علمی-پژوهشی بچاپ رسیده است. نویسنده این مقالات ببررسی ویژگیهای سبکی زبان داستانهای عقیل عقیل، جای خالی سلوچ و کلیدر پرداخته است. در مقدمه مقاله مهمترین شاخصه‌های سبکی دولت‌آبادی که در این مقاله بررسی گردیده بدین صورت ذکر شده است: «۱- کهن‌گرایی (واژگانی، نحوی)؛ ۲- بومی‌گرایی (واژگانی)؛ ۳- کوتاهی جملات؛ ۴-

عبارت‌های توضیحی معترضه پایانی؛ ۵- تشبیهات خاص؛» (همان: ۱۴۰)

آخرین مقاله‌ای که بررسی چند اثر از دولت‌آبادی پرداخته «آشنایی‌زدایی زبانی در آثار دولت‌آبادی (با تکیه بر دو اثر داستانی *با شبیرو و عقیل عقیل*)» (محمدی فشارکی و صادقیان، ۱۳۹۲) نام دارد. در قسمت «بررسی و تحلیل» این مقاله آمده: «در یک نگاه کلی بیشتر داستانهای رمان‌گونه و به اصطلاح نیمه‌بلند دولت‌آبادی، چون *گاوآره‌بان*، *باشیرو*، *از خم چمبر*، *مرد*، و *عقیل عقیل*، از آشنایی‌زدایی زبانی بهره برده و در محدودی از این گونه داستانها، چون *اوسنه بابا سبحان* و *هجرت سلیمان*، این گونه آشنایی‌زدایی بسیار اندک و نزدیک صفر است.» (همان: ۱۶۵)

۲- مضامین

در برخی از مقالات بموضوع زن در آثار دولت‌آبادی پرداخته شده است. در مقاله «خشونت علیه زنان در آثار محمود دولت‌آبادی» (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸) شخصیت‌های زن اصلی و فرعی داستانهای *هجرت سلیمان*، *باشیرو* و *جای خالی سلوچ* مورد بررسی قرار گرفته و نمونه‌هایی از داستان کلیدر نیز ذکر گردیده است. در این مقاله آمده: «مطالعه آثار محمود دولت‌آبادی از منظر نقد ادبی فمینیستی مشخص میکند که خشونت در تمامی داستان نقشی چشمگیر و اساسی دارد که با منشأهای متفاوت به شکل پنهان و آشکار ظاهر می‌شود.» (همان: ۸۴) همچنین در بخشی از مقاله «نقد جامعه‌شناختی رمان *جای خالی سلوچ*» اثر محمود دولت‌آبادی» (نصر اصفهانی و شمعی (ب)، ۱۳۸۸) که «نقد مصلحت‌اجتماعی زن در رمان *جای خالی سلوچ*» نام دارد نویسندگان به مسائل و مشکلات زنان در جامعه و رمان پرداخته‌اند.

در برخی از مقالات هم به توجه دولت‌آبادی به مشکلات اقتصادی و فقر در داستانهایش اشاره شده است. در بخش دیگری از مقاله فوق که «نقد شرایط اقتصادی خانواده روستایی در رمان *جای خالی سلوچ*» نام دارد نویسندگان مقاله معتقدند که این داستان «یکی از قویترین داستان‌هایی است که راجع به فقر و مبارزه انسان به خاطر حیات، نوشته شده است.» (همان: ۱۶۰) در مقاله «سبک‌شناسی رمان *جای خالی سلوچ*» اثر محمود دولت‌آبادی» (نصر اصفهانی و شمعی (الف)، ۱۳۸۸) هم نویسندگان مطالبی در مورد ویژگی‌های فکری این رمان آورده‌اند و در انتها هشت مورد از مهمترین ویژگی‌های فکری رمان را فهرست کرده‌اند که عبارتند از: دفاع از حقوق زنان، تقابل سنت و تجدد، دفاع از سرزمین، نقد اصلاحات ارضی، حمایت از مردم ستمدیده و رنج کشیده، بازگشت به خویشتن، نقد مناسبات زناشویی در شرایط نابسامان اجتماعی، فقر و مبارزه بخاطر حیات.

در برخی مقالات مضامین داستانهای دولت‌آبادی بصورت تطبیقی با نویسندگان دیگر مقایسه شده است. در مقاله «مقایسه تطبیقی شخصیت‌پردازی و درونمایه در دو رمان *جای*

خالی سلوچ و خوشه‌های خشم» (ابراهیمی، ۱۳۸۹) آمده: «درونمایه‌ها و مضامین در این دو اثر همگی بر یک نظر واحد دلالت دارند: وجود ناعدالتی در جامعه به خاطر نظام طبقاتی و تقسیم ناعادلانه ثروت.» (همان: ۱۴) در مقاله دیگری که «تحلیل تطبیقی جای خالی سلوچ دولت‌آبادی با رمان مادر اثر پرل باک» (شمعی و بیطرفان، ۱۳۸۹) نام دارد هم آمده: «هر دو نویسنده کوشیده‌اند یک طبقه اجتماعی را در ناحیه‌ای دور افتاده به تصویر کشند و توصیف دقیقی از واقعیت‌های تلخ زمانه خود به دست دهند.» (همان: ۸۹)

در چهار مقاله نیز مقایسه مضامین آثار دولت‌آبادی با آثار نویسنده‌گان عرب‌زبان مورد بررسی قرار گرفته است. در مقاله «بررسی تطبیقی زندگی و برخی آثار محمود دولت‌آبادی و یوسف‌ا‌دریس» (مختاری، ۱۳۸۸) به وجوه مشترک اشاره گردیده که عبارتند از: «۱- استعمار ستیزی و مبارزه با دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور. ۲- انتقاد از وضعیت حاکم بر جامعه در زمان خویش؛ [...] ۳- استفاده از توصیفات بیرونی شخصیت‌ها و حوادث داستان؛ که توصیفات محمود دولت‌آبادی بسیار ظریف و زیبا است. ۴- نگاه مشابه دو نویسنده در مورد زن که بیشتر در آثار آنان رنگ مردسالاری وجود دارد، در آثار دولت‌آبادی نوعی خشونت نیز به آن اضافه شده است.» (همان: ۱۰۴)

در مقاله «ادبیات روستایی در رمان‌های عربی و فارسی؛ بررسی تطبیقی الأرض شرقاوی و جای خالی سلوچ دولت‌آبادی» (آرمن و فیروزی‌مندمی، ۱۳۹۱) برخی شباهتها که مورد اشاره قرار گرفته عبارتند از: واقع‌گرایی دو نویسنده و تأثیر پذیر از شرایط سیاسی و محیطی جامعه، بومی بودن دو نویسنده و توجه به رو ستا در آثار شان، جایگاه مهم زن در داستانها، مشکلات روستاییان و اهمیت آب و زمین برای شان. در مقاله «بررسی تطبیقی رمان «جای خالی سلوچ» محمود دولت‌آبادی و «داستانهای کوتاه» مارون عبود از دیدگاه ادبیات اقلیمی» (خاقانی اصفهانی و نجفی، ۱۳۹۳) هم ب‌موارد مختلفی همچون فقر، بیکاری، گرانی و نقد سیاست حاکمان وقت توسط دو نویسنده اشاره شده است. در مقاله «بررسی تطبیقی مبانی رئالیسم در رمان «لنهایات» اثر عبدالرحمن منیف و «آو سنه بابا سبحان» اثر محمود دولت‌آبادی» (حیدری و حاتمی تل‌مارانی، ۱۳۹۵) این دو داستان در زمره رئالیسم انتقادی قرار گرفته‌اند و گفته شده: «انعکاس زندگی مردم روستا، توجه به ادبیات اقلیمی و انعکاس مشکلات اجتماعی و اقتصادی روستاییان وجه بارز این دو اثر رئالیستی است.» (همان: ۴۶) و به درونمایه‌های داستانها اشاره شده است.

در دو مقاله هم به توجه دولت‌آبادی بواقعه عاشورا اشاره شده است. در مقاله «بررسی و تحلیل عناصر بومی (دینی و ملی) بزرگترین رمان فارسی» (گرچی، ۱۳۸۷) ضمن اشاره به آداب و رسوم ملی و دینی به پانزده مورد از شباهت‌های واقعه عاشورا و تراژدی گل محمد اشاره شده است. همچنین در مقاله «از بیناخوانش تا بینامتنیت؛ روایت‌شناسی میراث

عاشورا در آثار داستانی محمود دولت‌آبادی» (حسین‌زاده و شهپرراد، ۱۳۹۴) که درباره داستانهای *گاو/اره‌بان* و *کلیدر* است گفته شده که میراث عاشورا به پنج صورت نمایشی یا دراماتیک، شنیداری، نوشتاری، رئایی، و تصویری در نوشته‌های دولت‌آبادی نمود پیدا کرده است.

۳- عناصر داستان

در برخی از مقالات دانشگاهی پژوهشگران ببرسی سبک دولت‌آبادی در استفاده از عناصر داستانی پرداخته‌اند که در برخی تنها یک عنصر داستانی مورد بررسی قرار گرفته و در برخی بیش از یک عنصر. در مقاله «شکل‌شناسی داستانهای کوتاه محمود دولت‌آبادی» (مشفق‌مهر و کریمی قره‌بابا، ۱۳۸۸) چهارده داستان نخستین وی در ۱۰ بخش مورد تحلیل شکل‌شناسانه قرار گرفته‌اند که از جمله نتایج آن این است که زمان داستانها بیشتر دهه ۱۳۴۰ و مکان اغلب آنها روستاست و «تمام چهارده داستان بشیوه دانای کل و از منظر سوم شخص نقل میشوند.» (همان: ۱۰۸) همچنین استفاده از عناصر اقلیمی و واژه‌های محلی در کنار واژه‌های امروزی، نثر شاعرانه مانند بیهقی در توصیفها، تعدد شخصیت، و فقر به عنوان یکی از مضامین مشترک تمام داستانها، دیگر موارد مورد اشاره در مقاله هستند.

در مقاله «بررسی عناصر داستانی در داستان «با شیبیرو» اثر محمود دولت‌آبادی» (مرتضوی و آیتی، ۱۳۸۷) هم نویسندگان ببرسی کلی عناصر داستان در یکی از آثار دولت‌آبادی پرداخته‌اند. بخشهایی از این مقاله که در آنها ببرسی عناصر داستانی داستان *با شیبیرو* انجام شده عبارتند از: «۱- مقدمه یا شروع»، «۲- توصیف»، «تشبیه»، «راوی»، «اپیزود داستان»، «بحران داستان» و «سرنوشت». مقاله دیگری هم که ببرسی کلی عناصر داستان در یکی از آثار دولت‌آبادی پرداخته، «بررسی عناصر داستانی در «مرد» اثر محمود دولت‌آبادی» (خان‌محمدی و شریفی، ۱۳۸۸) نام دارد. بخش اصلی این مقاله با «بررسی عناصر داستان (شخصیت یا قهرمان)» آغاز میشود و پس از آن بترتیب بخشهای «فضا و جو»، «جدال»، «حادثه»، «زاویه دید»، «لحن»، «صحنه یا زمینه»، «الگو»، «پیرنگ یا هسته داستان»، «پیرنگ بسته و پیرنگ باز»، «تجربه» و «درونمایه» قرار گرفته‌اند.

در دو مقاله عنصر شخصیت در داستانهای دولت‌آبادی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله مواردی که در مقاله «شیوه‌های شخصیت‌پردازی در رمان *کلیدر*» (حیدری و وفایی دیزجی، ۱۳۹۲) مورد اشاره قرار گرفته یکی استفاده بیشتر دولت‌آبادی از روش مستقیم برای شخصیت‌پردازی است و دیگری اینکه شخصیت‌های ایستا بیشتر از شخصیت‌های پویا هستند. در مقاله «تحلیل عنصر «شخصیت» در رمان «جای خالی سلوچ» اثر محمود

دولت‌آبادی» (نصر اصفهانی و شمعی، ۱۳۸۶) هم شیوه دولت‌آبادی در توصیف شخصیتها غیر مستقیم دانسته شده است.

در سه مقاله نیز سرعت روایت در رمانهای دولت‌آبادی بر اساس نظریه ژرار ژنت مورد بررسی قرار گرفته است. در هر دو مقاله «بررسی سرعت روایت در رمان *جای خالی سلوچ*» (حسن‌لی و دهقانی، ۱۳۸۹) و «نگرشی تحلیلی بر سرعت روایت در رمانهای *جای خالی سلوچ* و موسم‌الهجره *إلى الشمال* با تکیه بر نظریه روایت‌شناسی ژرار ژنت» (صالحی‌ب، ۱۳۹۴) سرعت روایت کل رمان متوسط دانسته شده است. همچنین در مقاله «تحلیل ساختار روایی رمان *سلوک* بر اساس نظریه ژنت» (مجوزی و سوری، ۱۳۸۵) آمده: «[...] باید گفت در کل داستان *سلوک*، دیالوگ سبب شده است داستان با شتاب ثابت نقل شود.» (همان: ۹۴)

در یک مقاله نیز عنصر حادثه مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله که «تحلیل عنصر «حادثه» در رمان «*جای خالی سلوچ*» اثر محمود دولت‌آبادی» (خوشحال دستجردی و شمعی، ۱۳۸۸) نام دارد آمده: «حوادثی که در داستان «*جای خالی سلوچ*» رخ میدهد از وابستگی، وحدت و انسجام نسبتاً متقابل برخوردار است، یعنی نه تنها با حادثه ماقبل و مابعد خود پیوند دارد، بلکه بر حوادث دیگر تأثیر میگذارد.» (همان: ۱۴۶)

برخی از مواردی که در مقاله «ساختار و محتوا در دو داستان «*توس*» نجیب محفوظ و «*بیابانی*» محمود دولت‌آبادی» (صالحی‌الف، ۱۳۹۴) درباره داستان *بیابانی* آمده عبارتند از: کثرت شخصیتها، زاویه دید دانای کل، استفاده از جملات کوتاه، ضرب‌المثل و واژه‌های محلی، بی‌عدالتی در جامعه، مبارزه با طبیعت بی‌رحم و ...

۴- مکتبهای ادبی

در برخی از مقالات، پژوهشگران دانشگاهی بررسی سبک دولت‌آبادی از لحاظ مکتبهای ادبی پرداخته‌اند. در مقاله «مرز بی‌نهایت رئالیسم» (محسنی، ۱۳۸۳)، بررسی مکتبهای ادبی رئالیسم، رومانتیسم، ناتورالیسم، سورئالیسم، رئالیسم سوسیالیستی، و سمبولیسم در رمانهای کلیدر، *جای خالی سلوچ* و *روزگار سپری شده مردم سالخورده* صورت گرفته است.

در مقاله «دلالتهای ضمنی در *جای خالی سلوچ* و کلیدر دولت‌آبادی» (شیری‌الف)، (۱۳۸۷) به استفاده دولت‌آبادی از برخی امکانات سمبولیسم اشاره شده و گفته شده است: «داستانهای دولت‌آبادی، به اندازه‌ای در ساختار رئالیستی خود از بافت طبیعی برخوردارند که واقعاً باید با ذره‌بین بدنبال کشف نمادهای جزئی در آنها پرداخت و در هنگام طرح آنها نیز نباید بر یافته‌های خود اطمینان قطعی کرد؛ چرا که بسیاری از این حقایق به ظاهر نمادین، چیزی جز واقعیت‌های محض در ساختار روایت نیستند.» (همان: ۹۵-۹۴)

در مقاله «سبک‌شناسی رمان «جای خالی سلوچ» اثر محمود دولت‌آبادی» (نصر اصفهانی و شمعی (الف)، ۱۳۸۸) بنظر نویسندگان هر چند در بخشهایی از داستان جنبه‌های سمبولیسم، ناتورالیسم، سورئالیسم و پست مدرنیسم دیده میشود ولی داستان از لحاظ هدف و نیت رمان نویس، داستانی رئالیستی بحساب می‌آید. در مقاله «بررسی عناصر داستانی در «مرد» اثر محمود دولت‌آبادی» (خان‌محمدی و شریفی، ۱۳۸۸) نیز به خلق آثاری در مکتب رئالیسم و ناتورالیسم و ... اشاره شده است. در مقاله «نقد جامعه‌شناختی رمان «سفر» محمود دولت‌آبادی» (ادهمی و هم‌کاران، ۱۳۹۰) هم آمده: «در واقع دولت‌آبادی با انتخاب سبک رئالیستی کلیترین مسائل زندگی را در تجرید از مسائل جزئی و خرد و حاشیه‌ای به تصویر در می‌آورد.» (همان: ۵۰)

در دو مقاله «نقد مکتبی داستانهای محمود دولت‌آبادی» (رحمانی، ۱۳۹۱) و «تحلیل عناصر ناتورالیستی در داستانهای محمود دولت‌آبادی» (شریفیان و رحمانی، ۱۳۹۲) که با کمی تغییر در اصل یک مقاله هستند جنبه‌های مکتب ناتورالیسم در آثار دولت‌آبادی مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان مقاله دوم آمده: «محمود دولت‌آبادی به عنوان نویسنده امروز ایران، رنگی از مکتب ناتورالیسم در آثارش دیده میشود. داستانهای ادب‌ار، بند، پای گلدسته/امزاده شعیب، سفر و بسیاری از دیگر داستانهای وی، زمینه و خصیصه‌های ناتورالیستی دارد.» (همان: ۱۶۷)

در چکیده مقاله «واقعیت‌های عینی و حقیقت‌های ذهنی در کلیدر، جای خالی سلوچ و روزگار سپری شده» (شیری، ۱۳۹۲) آمده: «با آنکه محمود دولت‌آبادی در دوره دوم از داستان‌نویسی خود گرایش به رمانتیسم و در دوره سوم گرایش به سمبولیسم دارد، در مجموع، عنصر غالب هنری در گزینش واقعیت‌های داستانی در همه کارنامه ادبی او، منطبق بر مکتب رئالیسم است.» (همان: ۷۹) در مقاله «بررسی تطبیقی مبانی رئالیسم در رمان «لنهایات» اثر عبدالرحمن منیف و «آوسنه بابا سبحان» اثر محمود دولت‌آبادی» (حیدری و حاتمی تل مارانی، ۱۳۹۵) نیز این دو داستان در زمره رئالیسم انتقادی قرار گرفته‌اند.

۵- بازتاب مسائل سیاسی و اجتماعی

در برخی از مقالات به بازتاب مسائل سیاسی و اجتماعی در آثار دولت‌آبادی پرداخته شده که میتواند یکی از ویژگیهای سبکی وی بحساب آید. یکی از این مقالات «نقد جامعه‌شناختی رمان «جای خالی سلوچ» اثر محمود دولت‌آبادی» (نصر اصفهانی و شمعی (ب)، ۱۳۸۸) نام دارد که نویسندگان آن معتقدند: «شاید بتوان گفت پرداختن به مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، اساسیترین دغدغه ذهنی دولت‌آبادی بوده است.» (همان: ۱۵۷)

در مقاله «اندیشه‌های هستی‌شناسانه در رمانهای سلوک دولت‌آبادی و مهمانی

خد/حافظی میلان کوندرا» (ابومحبوب و پناهی، ۱۳۸۹) آمده: «مهم این است که سیر آثار دولت‌آبادی نشان می‌دهد او هرگز از تحولات عمیق فکری نسبت بمسائل اجتماعی جدا نبوده است [...]» (همان: ۲۶) در مقاله «نقد جامعه‌شناختی رمان «سفر» محمود دولت‌آبادی» (ادهمی و همکاران، ۱۳۹۰) هم به نشان داده شدن مشکلات جامعه تو سط دولت‌آبادی در این رمان اشاره شده است.

در مقاله «نقد جامعه‌شناختی اصلاحات ارضی در رمان «جای خالی سلوچ»» (اشرف‌زاده و یوردخانی، ۱۳۹۱) بنظریه‌های جامعه‌شناسی ادبیات اشاره گردیده و مطالبی درباره انقلاب سفید و اصلاحات ارضی آورده شده است. در مقاله «ردپای ایدئولوژی در آثار اولیه محمود دولت‌آبادی» (طاهری، ۱۳۹۱) هم آمده: «او نویسنده‌ای جامعه‌گرا است تا ایده‌آلیست و در بطن جامعه همواره بدنبال کشف بحرانهای اجتماعی است و اگر به بحرانهای سیاسی اشاره میکنند، در واقع به بهانه اثر شگرف سیاست بر اجتماع و سرنوشت تک تک آدمهاست.» (همان: ۱۳۴) از دیگر مقالاتی که از دیدگاهی خاص بررسی یکی از آثار دولت‌آبادی پرداخته میتوان از مقاله «واکاوی جلوه‌های فرودست پسااستعماری در رمان *جای خالی سلوچ*» (حاجتی و رضی، ۱۳۹۴) نام برد.

۶- ادبیات اقلیمی و روستایی

یکی از ویژگیهای سبک فردی دولت‌آبادی که در مقالات دانشجویی مورد اشاره قرار گرفته توجه وی به اقلیم و روستا است. در مقاله «بررسی بوم‌گرایانه با شبیرو، اثر محمود دولت‌آبادی» (حبیبی نسامی، ۱۳۹۳) بررسی طبیعت و محیط زیست در این داستان پرداخته شده است. همچنین برخی از پژوهشگران بمقایسه این مشخصه در داستانهای دولت‌آبادی با آثار نویسندگان دیگر پرداخته‌اند. در مقاله «استعاره و نقد بوم‌گرا مطالعه موردی دو داستان «گیله‌مرد» و «زخم چمبر»» (راکعی و نعیمی حشکوائی، ۱۳۹۵) یکی از داستانهای دولت‌آبادی با یکی از داستانهای بزرگ علوی مقایسه شده است.

در دو مقاله نیز آثار دولت‌آبادی با آثار نویسندگان عرب‌زبان در این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. در مقاله «ادبیات روستایی در رمانهای عربی و فارسی؛ بررسی تطبیقی *الأرض شرقاوی* و *جای خالی سلوچ* دولت‌آبادی» (آرمن و فیروزی‌مندمی، ۱۳۹۱) به بومی بودن دو نویسنده و توجه به روستا در آثارشان و مشکلات روستاییان و اهمیت آب و زمین برایشان بعنوان برخی از شباهتهای دو اثر اشاره شده است. در مقاله «بررسی تطبیقی رمان *جای خالی سلوچ*» محمود دولت‌آبادی و «داستانهای کوتاه» مارون عبود از دیدگاه ادبیات اقلیمی» (خاقانی اصفهانی و نجفی، ۱۳۹۳) هم گفته شده: «در بیان شاخصه‌های طبیعی هر دو نویسنده گاه از بیان عادی و گاه از تشبیه اقلیمی بهره برده‌اند که یکی از ارکان تشبیه از عناصر طبیعی انتخاب میشود.» (همان: ۴۴)

۷- سایر موارد

در دو مقاله بموضوع نام‌گزینی در آثار دولت‌آبادی اشاره شده است. یکی از مقالات «نام‌گزینی در روزگار سیری شده دولت‌آبادی (کلیدهایی برای درک محتوای رمان)» (شیری (ب)، ۱۳۸۷) نام دارد و دیگری «بررسی عناصر داستانی در «مرد» اثر محمود دولت‌آبادی» (خان‌محمدی و شریفی، ۱۳۸۸) است که در آن آمده: «دولت‌آبادی اغلب نامها را متناسب با نقشهای فردی و اجتماعی شخصیت‌هایش انتخاب میکند. داستان «مرد» نمونه‌ای از آنهاست.» (همان: ۱۰۸)

در دو مقاله نیز بموضوع چند صدایی باختمین در آثار دولت‌آبادی اشاره شده است که یکی از آنها «پیوند مخاطب و متن در آفرینش چند صدایی در رمان جای خالی سلوچ» (علّامی و عظیمی راد، ۱۳۹۵) نام دارد و دیگری مقاله «تحلیل ساختار روایی رمان سلوک بر اساس نظریه ژنت» (مجوزی و سوری، ۱۳۸۵) است که در آن آمده: «داستان سلوک فضایی برای عرض اندام شخصیت‌هایی با ایدئولوژی متفاوت است و صدای شخصیت‌های متفاوت بصورت مستقل و بدون دخالت راوی بگوش خواننده رسیده است.» (همان: ۹۵)

نتیجه

در انتها خلاصه‌ای از مهمترین ویژگیهای سبکی محمود دولت‌آبادی که در بخشهای مختلف مقاله مورد اشاره قرار گرفت ارائه میگردد. از ویژگیهای مهم نثر دولت‌آبادی میتوان به نثر آهنگین و استفاده از ساختارها و واژه‌های محلی و قدیمی در کنار تشبیهات و توصیفات منحصر به فرد اشاره کرد. از جمله مهمترین مضامین داستانهای وی میتوان از مشکلات اقتصادی و فقر و ظلم به زنان و واقعه عاشورا نام برد. در مورد عناصر داستانهای وی میتوان به استفاده از شیوه دانای کل، بیشتر بودن شخصیت‌های ایستا نسبت به شخصیت‌های پویا، و استفاده مناسب از عنصر حادثه اشاره کرد. از لحاظ مکتبهای ادبی میتوان گفت هر چند امکان مشاهده مکتبهای ادبی گوناگون در آثار وی وجود دارد ولی مکتب اصلی دولت‌آبادی رئالیسم است. همچنین یکی از ویژگیهای سبکی دولت‌آبادی بازتاب مسائل سیاسی و اجتماعی در آثارش است که یکی از مهمترین آنها موضوع اصلاحات ارضی است. یکی دیگر از ویژگیهای سبکی دولت‌آبادی توجه به اقلیم و روستا است و از جمله موارد دیگری که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت نام‌گزینی شخصیتها در داستانهای وی است.

منابع

۱- آرتا، سید محمد، انصاری شفیع، حجت و شیرین، قهرمان؛ (۱۳۹۱)، «تأثیر متون کهن

- بر نثر داستانی دولت‌آبادی در رمان کلیدر؛ فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)، (از ص ۱۵ تا ص ۳۴).
- ۲- آرمن، سید ابراهیم و فیروزی‌مندی، شهرزاد؛ (۱۳۹۱)، «ادبیات رو ستایی در رمانهای عربی و فارسی؛ بررسی تطبیقی الأرض شرقاوی و جای خالی سلوچ دولت‌آبادی»؛ کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۷، (از ص ۱ تا ص ۱۸).
- ۳- ابراهیمی، سید رضا؛ (۱۳۸۹)، «مقایسه تطبیقی شخصیت‌پردازی و درونمایه در دو رمان جای خالی سلوچ و خوشه‌های خشم»؛ فصلنامه تخصصی زبان و ادب فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج)، سال اول، شماره ۳، (از ص ۱ تا ص ۱۷).
- ۴- ابومحبوب، احمد و پناهی، شهرام؛ (۱۳۸۹)، «اندیشه‌های هستی‌شنا سانه در رمانهای سلوک دولت‌آبادی و مهمانی خدا/حافظی میلان کوندرا»؛ مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، سال چهارم، شماره ۱۴، (از ص ۱۱ تا ص ۲۸).
- ۵- ادهمی، جمال، جهانگیری، پرویز و دیداری، چنور؛ (۱۳۹۰)، «نقد جامعه‌شناختی رمان «سفر» محمود دولت‌آبادی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج)، سال سوم، شماره ۷، (از ص ۳۵ تا ص ۵۳).
- ۶- اشرف‌زاده، رضا و یوردخانی، مهسا؛ (۱۳۹۱)، «نقد جامعه‌شناختی اصلاحات ارضی در رمان جای خالی سلوچ»؛ فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۳۶، (از ص ۱۰۳ تا ص ۱۲۸).
- ۷- اله‌دادی دستجردی، زهره، عابدیان، علیرضا و دولت‌آبادی، مرتضی؛ (۱۳۹۴)، «نمودها و کاربرد متفاوت «آرکائیسیم» و «گویش سبزواری» در رمان کلیدر محمود دولت‌آبادی»؛ جستارهای ادبی، سال چهل و هشتم، شماره ۴ (پیاپی ۱۹۱)، (از ص ۱ تا ص ۲۳).
- ۸- حاجتی، سمیه و رضی، احمد؛ (۱۳۹۴)، «واکاوی جلوه‌های فرودست پساستعماری در رمان جای خالی سلوچ»؛ فصلنامه تخصصی نقد ادبی، سال هشتم، شماره ۳۱، (از ص ۱۴۱ تا ص ۱۶۶).
- ۹- حبیبی‌نسامی، مرتضی؛ (۱۳۹۳)، «بررسی بوم‌گرایانه با شیرو، اثر محمود دولت‌آبادی»؛ ادبیات پارسی معاصر، سال چهارم، شماره ۴، (از ص ۹۵ تا ص ۱۱۵).
- ۱۰- حسن‌پور آلاشتی، حسین؛ (۱۳۸۵)، «تحلیل سبک‌شناختی آثار داستانی محمود دولت‌آبادی»؛ فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی اراک (زیبایی‌شناسی ادبی فعلی)، سال دوم، شماره ۸، (از ص ۱ تا ص ۲۲).
- ۱۱- _____؛ (۱۳۸۶)، «ویژگیهای زبان روایت در سه اثر از محمود دولت‌آبادی»؛ کاوش‌نامه، سال هشتم، شماره ۱۴، (از ص ۱۳۹ تا ص ۱۶۰).
- ۱۲- حسن‌لی، کاووس و دهقانی، ناهید؛ (۱۳۸۹)، «بررسی سرعت روایت در رمان جای

- ۱۳- خالی سلوچ؛ فصلنامه متن‌پژوهی ادبی، شماره ۴۵، (از ص ۳۷ تا ص ۶۳).
- ۱۴- حسین‌زاده، آذین و شهپرراد، کتایون؛ (۱۳۹۴)، «از بیناخوانش تا بینامتنیت؛ روایت‌شناسی میراث عاشورا در آثار داستانی محمود دولت‌آبادی»؛ متن‌پژوهی ادبی، سال نوزدهم، شماره ۶۵، (از ص ۱۰۱ تا ص ۱۱۹).
- ۱۵- حیدری، فاطمه و وفایی دیزجی، فرناز؛ (۱۳۹۲)، «شیوه‌های شخصیت‌پردازی در رمان کلیدر»؛ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، (از ص ۹۵ تا ص ۱۲۷).
- ۱۶- حیدری، محمود و حاتمی تل مارانی، علی اکبر؛ (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی مبانی رئالیسم در رمان «لنهایت» اثر عبدالرحمان منیف و «آوسننه بابا سبحان» اثر محمود دولت‌آبادی»؛ ادبیات پارسی معاصر، سال ششم، شماره ۴، (از ص ۲۷ تا ص ۴۸).
- ۱۷- خاقانی اصفهانی، محمد و نجفی، حسن؛ (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی رمان «جای خالی سلوچ» محمود دولت‌آبادی و «داستانهای کوتاه» مارون عبود از دیدگاه ادبیات اقلیمی»؛ کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال چهارم، شماره ۱۵، (از ص ۲۵ تا ص ۴۷).
- ۱۸- خان‌محمدی، محمد حسین و شریفی، فردین؛ (۱۳۸۸)، «بررسی عناصر داستان «مرد» اثر محمود دولت‌آبادی»؛ فصلنامه ادبیات فارسی بهارستان سخن (دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی)، سال پنجم، شماره ۱۳، (از ص ۷۷ تا ص ۱۰۹).
- ۱۹- خوشحال دستجردی، طاهره و شمعی، میلاد؛ (۱۳۸۸)، «تحلیل عنصر «حادثه» در رمان «جای خالی سلوچ» اثر محمود دولت‌آبادی»؛ پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب، دوره پنجم، شماره ۸، (از ص ۱۳۴ تا ص ۱۴۸).
- ۲۰- راکعی، فاطمه و نعیمی حشکوائی، فاطمه؛ (۱۳۹۵)، «استعاره و نقد بوم‌گرا مطالعه موردی دو داستان «گیله‌مرد» و «زخم چمبر»»؛ دو فصلنامه علمی پژوهشی زبان‌شناخت، سال ۷، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، (از ص ۸۹ تا ص ۱۰۳).
- ۲۱- رحمانی، کیومرث؛ (۱۳۹۱)، «نقد مکتبی داستانهای محمود دولت‌آبادی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی زبان ادب فارسی (دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج)، سال چهارم، شماره ۱۳، (از ص ۴۱ تا ص ۷۳).
- ۲۲- شریفیان، مهدی و رحمانی، فرامرز؛ (۱۳۹۲)، «تحلیل عناصر ناتوالیستی در داستانهای محمود دولت‌آبادی»؛ ادب فارسی، دوره سوم، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، (از ص ۱۴۹ تا ص ۱۶۸).
- ۲۳- شمعی، میلاد و بیطر فان، مینو؛ (۱۳۸۹)، «تحلیل تطبیقی جای خالی سلوچ دولت‌آبادی با رمان مادر اثر پرل باک»؛ ادب پژوهی، شماره ۱۴، (از ص ۶۷ تا ص ۹۱).
- ۲۴- شیرینی، قهرمان؛ (۱۳۸۲)، «نثر محمود دولت‌آبادی»؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم

- انسانی مشهد، سال سی و ششم، شماره ۴ (پیاپی ۱۴۳)، (از ص ۷۳ تا ص ۹۲).
- ۲۴- _____ (الف)؛ (۱۳۸۷)، «دلالت‌های ضمنی در جای خالی سلوچ و کلیدر دولت‌آبادی»؛ زبان و ادب فارسی (نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز)، سال ۵۱، شماره ۲۰۷، (از ص ۷۵ تا ص ۱۰۱).
- ۲۵- _____ (ب)؛ (۱۳۸۷)، «نام‌گزینی در روزگار سپری شده دولت‌آبادی (کلیدهایی برای درک محتوای رمان)»؛ فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال هجدهم، شماره ۷۴، (از ص ۱۱۳ تا ص ۱۴۳).
- ۲۶- _____ (الف)؛ (۱۳۸۸)، «کلیدر دولت‌آبادی و فلسفه مداخله‌گری در روایت»؛ جستارهای ادبی، شماره ۱۶۴، (از ص ۲۱۸ تا ص ۲۳۶).
- ۲۷- _____؛ (۱۳۹۰)، «موسیقایی بودن ساختار در کلیدر»؛ ادب پژوهی، دوره پنجم، شماره ۱۶، (از ص ۳۵ تا ص ۵۸).
- ۲۸- _____؛ (۱۳۹۲)، «واقعیت‌های عینی و حقیقت‌های ذهنی در کلیدر، جای خالی سلوچ، و روزگار سپری شده»؛ فصلنامه ادبیات داستانی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه)، سال اول، شماره ۴، (از ص ۷۹ تا ص ۹۸).
- ۲۹- صالحی، پیمان (الف)؛ (۱۳۹۴)، «ساختار و محتوا در دو داستان «ترس» نجیب محفوظ و «بیابانی» محمود دولت‌آبادی»، مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۴، (از ص ۱۰۵ تا ص ۱۲۸).
- ۳۰- _____ (ب)؛ (۱۳۹۴)، «نگرشی تحلیلی بر سرعت روایت در رمانهای جای خالی سلوچ و موسم الهجرة إلى الشمال با تکیه بر نظریه روایت‌شناسی ژرار ژنت»؛ متن‌پژوهی ادبی. سال نوزدهم، شماره ۶۶، (از ص ۳۷ تا ص ۶۴).
- ۳۱- طاهری، قدرت‌الله؛ (۱۳۹۱)، «رد پای ایدئولوژی در آثار اولیه محمود دولت‌آبادی»؛ پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۴، (از ص ۱۲۵ تا ص ۱۴۱).
- ۳۲- علّامی، ذوالفقار و عظیمی‌راد، زهرا؛ (۱۳۹۵)، «پیوند مخاطب و متن در آفرینش چند صدایی در رمان جای خالی سلوچ»؛ کاوش‌نامه، سال هفدهم، شماره ۳۳، (از ص ۱۹۵ تا ص ۲۲۳).
- ۳۳- کاردگر، یحیی و باباشاهی، فاطمه؛ (۱۳۹۱)، «بررسی جنبه‌های موسیقایی رمان کلیدر (محمود دولت‌آبادی)»؛ مطالعات بلاغی، سال سوم، شماره ۵، (از ص ۱۴۳ تا ص ۱۶۷).
- ۳۴- _____ و قدمنان، رزاق؛ (۱۳۸۷)، «تشبیه اندیشی در رمان «روزگار سپری شده مردم سالخورده»»؛ زبان و ادب فارسی (نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال پنجاه و یکم، شماره ۲۰۴، (از ص ۱۰۷ تا ص ۱۳۹).
- ۳۵- کریمی‌پناه، ملیحه و رادفر، ابوالقاسم؛ (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل موضوعات و صفتی

- کلیدر؛ ادبیات پارسی معاصر، سال دوم، شماره ۱، (از ص ۸۹ تا ص ۱۱۱).
- ۳۶- گرجی، مصطفی؛ (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل عناصر بومی (دینی و ملی) بزرگترین رمان فارسی»؛ دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۱، (از ص ۲۵۵ تا ص ۲۷۲).
- ۳۷- مجوزی، محمد و سوری، لیلا؛ (۱۳۹۵)، «تحلیل ساختار روایی رمان سلوک بر اساس نظریه ژنت»؛ فصلنامه روایت پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۴، (از ص ۷۱ تا ص ۹۶).
- ۳۸- محسنی، احمد؛ (۱۳۸۳)، «مرز بی‌نهایت رئالیسم»؛ فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۱-۲، (از ص ۷۸ تا ص ۹۳).
- ۳۹- محمدی فشارکی، محسن و صادقیان، سمیه؛ (۱۳۹۲)، «آشنایی‌زدایی زبانی در آثار دولت‌آبادی (با تکیه بر دو اثر داستانی با شیبیرو و عقیل عقیل)»؛ ادبیات پارسی معاصر، سال سوم، شماره ۱، (از ص ۱۴۵ تا ص ۱۶۸).
- ۴۰- مختاری، قاسم؛ (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی زندگی و برخی آثار محمود دولت‌آبادی و یوسف ادریس»؛ فصلنامه علمی تخصصی زبان و ادبیات فارسی دهخدا، شماره ۲، (از ص ۹۲ تا ص ۱۰۶).
- ۴۱- مرتضوی، سید جمال‌الدین و آیتی، ندا سادات؛ (۱۳۸۷)، «بررسی عناصر داستانی در داستان «با شیبیرو» اثر محمود دولت‌آبادی»؛ فصلنامه زبان و ادب [متن پژوهی ادبی]، دوره دوازدهم، شماره ۳۶، (از ص ۱۰۲ تا ص ۱۱۶).
- ۴۲- مستعلی‌پار سا، غلامرضا، اله‌دادی دستجردی، زهره و دولت‌آبادی، مرتضی؛ (۱۳۹۰)، «فعل در رمان جای خالی سلوچ و منشأ آن»؛ جستارهای ادبی، شماره ۱۷۳، (از ص ۱۵۷ تا ص ۱۷۳).
- ۴۳- مشتاق‌مهر، رحمان و کریمی قره‌بابا، سعید؛ (۱۳۸۸)، «شکل‌شناسی داستانهای کوتاه محمود دولت‌آبادی»؛ فصلنامه تخصصی نقد ادبی، سال دوم، شماره ۸، (از ص ۷۳ تا ص ۱۱۰).
- ۴۴- نسقی، نازیلا؛ (۱۳۸۵)، «متمیزهای ویژه در آثار محمود دولت‌آبادی»؛ فصلنامه ادبیات فارسی بهارستان سخن (دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی)، شماره ۵، (از ص ۱۱۶ تا ص ۱۳۶).
- ۴۵- نصرا صفهانی، محمدرضا و شمعی، میلاد؛ (۱۳۸۶)، «تحلیل عنصر "شخصیت" در رمان "جای خالی سلوچ" اثر محمود دولت‌آبادی»؛ مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال پنجم، شماره ۹، (از ص ۱۵۳ تا ص ۱۷۶).
- ۴۶- (الف)؛ (۱۳۸۸)، «سبک‌شناسی رمان «جای خالی سلوچ» اثر محمود دولت‌آبادی»؛ فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳،

(از ص ۱۸۵ تا ص ۲۰۴).

۴۷- _____ (ب)؛ (۱۳۸۸)، «نقد جامعه‌شناختی رمان

«جای خالی سلوچ» اثر محمود دولت‌آبادی»؛ جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره

۴ (پیاپی ۳۶)، (از ص ۱۵۱ تا ص ۱۶۸).

۴۸- واصفی، صبا و ذوالفقاری، حسن؛ (۱۳۸۸)، «خشونت علیه زنان در آثار محمود

دولت‌آبادی»؛ پژوهش زنان، دوره هفتم، شماره ۱، (از ص ۶۷ تا ص ۸۶).

۴۹- همتی، شهریار، سلیمی؛ علی و عابدی، حسین؛ (۱۳۹۴)، «سبک‌شناسی زبانی رمان

آن مادیان سرخ یال نوشته محمود دولت‌آبادی»؛ متن‌پژوهی ادبی، سال نوزدهم، شماره

۶۴، (از ص ۱۱۱ تا ص ۱۴۷).